

## آموزش عالی و دهکده جهانی: چالش‌ها و راه‌حل‌ها

ارسلان قربانی و جعفر کیوانی

اعضای هیئت علمی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

**چکیده:** توسعه بین‌المللی در آغاز قرن بیست و یکم، فرصت‌ها و چالش‌هایی ویژه برای ایفای نقش آموزش عالی به وجود آورده است. پس از پایان جنگ سرد و اضمحلال نظام دوقطبی، انتظارات برای توسعه و حل مشکلات جهان افزایش یافته است. در شرایط فعلی، تشدید بحران‌های منطقه‌ای و مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توجه جامعه جهانی را به خود معطوف داشته است. در این مقاله تصویری کلی از مشکلات جهانی به‌ویژه آنهایی که به آموزش عالی مربوط است، ارائه می‌شود. این مشکلات شامل فقر، گرسنگی، بیماری، محو اخلاق و ایستارهای انسانی، وابستگی سیاسی اقتصادی، تنازعات قومی و منطقه‌ای، تقابل شمال و جنوب و مسائل زیست‌محیطی است. این مشکلات در واقع در دستور کار جهان امروز قرار دارد، جهانی که به لحاظ ارتباطات قوی و وابستگی درونی حاکم بر آن «دهکده جهانی» نام گرفته است. این مقاله در صدد است تا نشان دهد که آموزش عالی یکی از بهترین مکانیسم‌ها برای حل مشکلات و تنگناهای جهانی در هزاره سوم است؛ به عبارت دیگر، سؤال اصلی این مقاله این است که وجه ارتباط مشکلات جهانی با آموزش عالی چیست و آموزش عالی چگونه می‌تواند برای مشکلات جهانی راه‌حل ارائه کند.

**واژه‌های کلیدی:** چالش‌های جهانی، منابع انسانی، دهکده جهانی، مسائل زیست‌محیطی، آموزش عالی، همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی، دانشگاه‌های بین‌المللی، تبادل نیروهای علمی.

## ۱. چالش‌های جهانی در قرن بیست و یک

فروپاشی اخلاق و ایستارهای حاکم بر روابط انسانی یکی از چالش‌های جدی برای نسل حاضر و آینده جهان است. پدیده صنعتی شدن، منهومی با ابعاد مختلف و پیچیده است که زندگی را برای مردم جهان آسان کرده است. ما شاهدیم که چگونه جوامع صنعتی از ارزش‌های انسانی و دیدگاه‌های مذهبی فاصله می‌گیرند. به فراموشی سپردن مذهب در واقع به معنای چشم‌پوشی از قوانین ارزشمند الهی و دیدگاه‌های ارزشی و انسانی در جوامع بشری است. بنابراین، چنین رفتاری برای جامعه بین‌الملل مشکلات اساسی به وجود آورده است، گرچه این واقعیت دارد که مواردی توسط بشر به برخی از مذاهب اضافه شده که غیرقابل قبول است، اما ما نمی‌توانیم تأثیرات مثبت مذهب و اعتقاد به خدا را در کاهش تنش‌ها و مشکلات موجود در روابط بشری انکار کنیم. همان‌طور که تاریخ و تجربه نشان می‌دهد، بدون چنین اعتقاد و باوری، بحران‌های اجتماعی و فردی در جوامع بشری همواره ادامه خواهد داشت.

در بسیاری از کشورهای جهان، فقر در روستاها بیش از شهرها وجود دارد؛ به عبارت دیگر، جمعیت روستایی در مقایسه با جمعیت شهری از فقر بیشتری رنج می‌برد، گرچه در برخی از کشورها این وضعیت برعکس است و در برخی دیگر، سطح فقر در جمعیت روستایی و شهری یکسان است. به عنوان مثال، ۳۲٪ از جمعیت شهرنشین و ۲۹٪ از جمعیت روستایی پاکستان زیر خط فقر زندگی می‌کنند [۱۱].

به طور کلی، بخش زیادی از جمعیت کشورهایی که درآمد آنان کم است، در فقر زندگی می‌کنند. گرچه افزایش درآمدها، کاهش فقر را تضمین نمی‌کند، اما در کل یک ارتباط مستقیم بین این دو عامل وجود دارد.

گرسنگی چالش دیگری است که جامعه جهانی در آغاز قرن بیست و یکم با آن مواجه است. گرسنگی در مفهوم قدیمی و تاریخی آن به فقدان و محرومیت تغذیه مربوط می‌شود. سؤال اساسی که در اینجا مطرح می‌شود این است که توزیع غذا در بین جوامع انسانی چگونه است. طبق گزارش صندوق کودکان سازمان ملل<sup>۱</sup> در سال ۱۹۸۹، بیش از سه و نیم میلیون کودک هندی به سبب تأثیرات منفی ناشی از سوءتغذیه و بیماری جان خود را از دست داده‌اند. این در حالی است که هند

از ذخایر غلات به میزان ۲۰ میلیون تن برخوردار بوده است [۲]. با توجه به این نکته، مشکل اساسی کمبود مواد غذایی نیست، بلکه مسئله اصلی فقر است که به واسطه آن مردم توانایی خرید غذا را ندارند. قحطی از عواملی است که در مرگ و میر تأثیر مستقیم دارد. در دو دهه اخیر، کشورهای فقیر هم گرسنگی و هم قحطی را تجربه کرده‌اند. عوامل طبیعی مانند خشکسالی و غیره نیز در مسئله قحطی نقش دارد، اما همواره این طور نیست.

در اواخر دهه هشتاد، خشکسالی‌ای که در ایالات متحده آمریکا و استرالیا اتفاق افتاد به کاهش چشمگیر تولید غلات منجر شد. در حال حاضر، گرچه بسیاری از کشاورزان در این کشورها شغل خود را از دست داده‌اند، اما مردم کشورهای یاد شده نه دچار گرسنگی و نه گرفتار قحطی می‌شوند. در غرب بر خلاف کشورهای فقیر، اغلب کشاورزان در مقابل حوادث غیرمترقبه از بیمه‌های رسمی و کمک‌های دولت برخوردارند.

بنابراین، می‌توان گفت که دلایل اصلی گرسنگی و قحطی در دهه اول به ساختار ناعادلانه توزیع ثروت بین شمال و جنوب و سپس به خود حکومت‌ها مربوط می‌شود. دولت‌ها در ارائه خدمات و ایجاد شرایط مناسب اقتصادی مسئولیت اصلی را بر عهده دارند. سیاست‌های دولت می‌تواند عوامل احتمالی قحطی را کاهش دهد و با آن مبارزه کند. در سال ۱۹۷۳، رئیس‌جمهور ایووی وجود قحطی در این کشور را به شدت انکار کرد تا صنعت توریسم مورد تهدید قرار نگیرد، اما سیاست مزبور و نادیده انگاشتن واقعیت‌ها منجر به مرگ و میر یک میلیون نفر در این کشور شد. در چین در سال‌های ۱۹۶۷-۱۹۵۶، مشکلات و مسائل مربوط به بدی آب و هوا مورد توجه جدی دولت قرار نگرفت و لذا ۲۵ میلیون نفر جان خود را از دست دادند [۳]. عوامل زیست‌محیطی و شرایط طبیعی معمولاً به صورت نبود مدیریت صحیح باعث قحطی می‌شود، اما در صورت اعمال مدیریت صحیح، حتی شاید فاجعه‌انگیزترین عوامل طبیعی قابل کنترل باشد. به عنوان مثال، در سال ۱۹۷۴ سیل تقریباً نصب انبارهای برنج بنگلادش را فراگرفت، اما سیاست دولت مبنی بر صادرات فوری برنج به هند باعث شد که مردم این کشور از این حادثه طبیعی جان به سلامت بیرون ببرند. بدون شک، کمی بارندگی در طول دو دهه اخیر در کشورهای ساحلی، تأمین مواد غذایی برای تمام مردم این کشورها و منابع درآمد آنها را با مشکل جدی مواجه ساخته است.

اقتصاد جهانی اغلب ارتباطی مستقیم با مسائل گرسنگی و قحطی داشته است. در کشورهای در

حال توسعه، کشاورزی به طور فزاینده‌ای وابسته به بازارهای جهانی است تا منطقه‌ای. تجارت جهانی بر وابستگی کالایی کشورهای فقیری استوار است که خود هیچ راهی جز تلاش برای تولید زیاد و در نتیجه کاهش قیمت‌ها ندارند. شرکت‌های چندملیتی از عوامل تجارت ناعادلانه به‌شمار می‌آیند. امروزه قیمت کالاها در بسیاری از کشورهای جنوب در سطح قبل از سال ۱۹۵۰ است. در سال ۱۹۸۵، کاهش ناگهانی قیمت کالا در آفریقا باعث شد که این قاره در فروش مواد خام به غرب ۱۹ میلیارد دلار کمتر به دست آورد [۴].

تجارت جهانی کاملاً با منافع دنیای ثروتمند هماهنگ است. کشورهای شمال از طریق افزایش موانع گمرکی برای کالاهای تولیدی، جنوب را همواره مجبور و وابسته به تولید کالا می‌کنند. حقوق گمرکی منسوجات به تنهایی ۵۳ میلیارد دلار در سال برای کشورهای فقیر هزینه دارد که این مبلغ با کل کمک غرب به جنوب برابری می‌کند [۵]. ادامه فقر در بخش اعظم جهان باعث شده است که کشورهای فقیر به طور کامل قادر به خرید کالاهایی نباشند که دنیای ثروتمند مشتاق تولید آن است، در این خصوص آموزش عالی مسئولیت حمایت فنی از برنامه‌های دولت و ارائه مهم‌ترین روش‌های علمی و مدرن در تولید بیشتر و افزایش توانایی خرید در کشورهای جهان سوم را بر عهده دارد. دانشگاه‌ها باید تلاش جهانی خود را برای نیل به تجارت عادلانه در سطح جامعه بین‌الملل آغاز کنند و از طریق مخالفت با تجارت ناعادلانه، پیام مخالفت را به گوش رهبران سیاسی برسانند. تجارت عادلانه مبتنی بر همکاری شمال و جنوب، و نه استثمار و بهره‌کشی، به تأمین امنیت غذایی بیشتر منجر خواهد شد. آموزش عالی می‌تواند با ارائه راه‌های علمی و عملی، زمینه را برای حمایت از اکثریت کشاورزان جهان در قبال کشاورزان صنعتی دنیای ثروتمند فراهم سازد.

مشکل اساسی دیگری که دانشگاه‌ها می‌توانند در حل آن نقش اساسی داشته باشند، مسئله بیماری و مراقبت‌های بهداشتی است. در پایان دهه هشتاد ۵۰ میلیون مورد مرگ و میر در جهان تخمین زده شده است. گرچه میزان مرگ و میر در جهان اول و سوم، تقریباً ۹/۹ در هر هزار نفر است، اما این موضوع در سنین مختلف اتفاق می‌افتد. در کشورهای صنعتی و پیشرفته، دو سوم تمام مرگ و میرها در میان افرادی اتفاق می‌افتد که بیش از ۶۵ سال سن دارند، در حالی که در کشورهای در حال توسعه، ۴۰۵ مورد از مرگ و میرها مربوط به افراد زیر ۱۵ سال است [۶].

بیش از دو میلیارد نفر در کشورهای در حال توسعه در معرض خطر بیماری مالاریا هستند و هر

سال یک تا دو میلیون نفر از این بیماری جان خود را از دست می‌دهند. تخمین زده شده است که ۳۰٪ تا ۵۰٪ از زنان در آفریقا و آسیا دچار کم‌خونی و سوء تغذیه‌اند. ۵۰۰ میلیون نفر در جهان سوم مبتلا به بیماری عفونی تراخم چشم<sup>۱</sup> هستند و این بیماری تقریباً باعث کوری حداقل شش میلیون نفر شده است. بیماری ایدز<sup>۲</sup> تقریباً یک مشکل و چالش اصلی بهداشتی در بسیاری از کشورهای جهان در دهه ۹۰ و قرن ۲۱ است. مشکلات مربوط به تشخیص این بیماری، نشان‌دهنده آن است که ارقام رسمی مربوط به بیماران مبتلا به ایدز در کشورهای در حال توسعه دقیق نیست. سازمان بهداشت جهانی تخمین زده است که در سال ۱۹۹۰، ۸/۸ میلیون نفر از مردم جهان حامل ویروس HIV هستند که منجر به بیماری ایدز می‌شود و ۵/۸ میلیون نفر از این رقم مربوط به آفریقا است. این سازمان تخمین می‌زند که تا سال ۲۰۰۰ این ارقام به ترتیب به ۲۶ و ۱۲ میلیون افزایش یابد [۷]. یکی از فعالیت‌های اصلی دانشگاه‌ها تأمین منابع انسانی برای ارائه خدمات بهداشتی است و این می‌تواند به حل مشکلات در سطح جهانی کمک کند. در مورد نسبت کارکنان ارائه‌دهنده خدمات بهداشتی به جمعیت در سطح جهانی تفاوت‌های عمده‌ای وجود دارد. ایتالیا بالاترین نسبت پزشک به جمعیت را در جهان داراست (برای هر ۲۳۰ نفر یک پزشک). در مقابل، اتیوپی کمترین رقم را در این زمینه دارد (برای هر ۷۸۹۷۰ نفر یک پزشک) [۸]. در بسیاری از کشورها به‌ویژه در خاور میانه و آسیای جنوب شرقی، نسبت پزشک به جمعیت در سه دهه اخیر به طور فاحشی افزایش یافته است، گرچه در برخی از کشورهای آفریقایی این وضعیت بدتر شده است. مراقبت‌های بهداشتی به منظور پیشگیری از مشکلات بهداشتی حداقل در حوزه نظری شامل ایجاد محیط‌های زیستی بهداشتی، تغذیه مناسب و سالم، آب آشامیدنی سالم، رعایت اصول بهداشتی و واکسیناسیون اطفال است. در واقع، بسیاری از کشورهای در حال توسعه بسیاری از منابع و امکانات بهداشتی را به آموزش مراقبت‌های درمانی پیشرفته، به سبک بیمارستان‌های غربی اختصاص داده‌اند. این بدان معناست که بخش عمده‌ای از هزینه بهداشت در اختیار عده قلیلی قرار می‌گیرد.

در دنیا هر دقیقه ۲۸ کودک زیر پنج سال می‌میرند و ۲۷ نفر از این تعداد مربوط به کشورهای در

۱. Trachoma

۲. Acquired Immune Dficiency Syndrome (AIDS)

حال توسعه است [۹]. تعدادی از کودکانی که تحت معالجه قرار می‌گیرند، به زندگی ادامه می‌دهند، اما از غذای کافی برخوردار نیستند. این کودکان اغلب بدون حامی و سرپرست زندگی می‌کنند و مجبورند با حداقل دستمزد کار کنند. در سپتامبر ۱۹۹۰، دولت‌های ۱۵۹ کشور جهان در اولین «اجلاس جهانی کودکان» گرد هم آمدند تا در خصوص راه‌های ارتقای دوران زندگی نسل آینده بحث و گفتگو کنند. مهم‌ترین مواردی که در این نشست به منظور رفاه کودکان مورد توجه قرار گرفت، عبارت‌اند از: کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر پنج سال، جلوگیری از سوء تغذیه افراد زیر پنج سال، کاهش مرگ و میر مادران، تأمین آب آشامیدنی سالم و استفاده از امکانات بهداشتی برای تمام خانواده‌ها، آموزش بنیادی کودکان، افزایش میزان آگاهی و دانش بزرگسالان، نیل به فرصت‌های برابر برای زنان و مردان و بالاخره حمایت از کودکان در قبال شرایط سخت و دشوار دانشگاه‌ها باید تحقیقاتی را در همه موارد یاد شده ارائه دهند.

مطالعه در زمینه مسائل زیست‌محیطی جهان باید در دستور کار دانشگاه‌ها در قرن بیست و یکم قرار گیرد. مردم کشورهای صنعتی که یک پنجم جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند، در تولید دو سوم از گازهای خطرناک جهانی سهم هستند و بیش از ۸۵٪ از گازهای کلروفلوراکربن<sup>۱</sup> را تولید می‌کنند که باعث نازک شدن لایه اوزون می‌شود [۱۰]. علاوه بر این، کشورهای صنعتی و پیشرفته در ایجاد دی‌اکسید و اکسید نیتروژن که «باران اسید» را به دنبال دارد، نقش عمده‌ای دارند.

توسعه اقتصادی در جهان سوم محیط زیست را مورد تهدید جدی قرار داده است. این موضوع به طور قابل ملاحظه‌ای در کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط‌زیست و توسعه<sup>۲</sup> در شهر ریودوژانیرو<sup>۳</sup> در ژوئن ۱۹۹۲ مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در حال حاضر، عامل اصلی تهدید محیط زیست در جهان سوم مربوط به تولید کالاهای اولیه است. تولید بیشتر برای صادرات، به اضمحلال منابع طبیعی منجر می‌شود. در واقع، مردم فقیر در حفظ منابعی که بدان وابسته‌اند، بیشتر در معرض خطر قرار دارند. عملکرد کشورهای ثروتمند در از بین بردن جنگل‌های آمازون به

۱. Chloro Fluoroa Carbon (CFC)

۲. UN Conference on Environment and Development

۳. Rio do Janiro

منظور تهیه مبلمان، مواد مخدر و گوشت عملی ناپسند است. دشت‌های پهناور به منظور کاشت غلات به طور تکراری مورد استفاده قرار می‌گیرد و محصولات آن به غرب اختصاص می‌یابد. شیوه‌های مزبور، آرزو و خواست ملل توسعه یافته را تأمین می‌کند، اما تمام هزینه‌های آن به دوش ملل جنوب است [۱۱]. برای حفظ و پایداری آینده‌ای مشترک، حفظ محیط زیست باید در اولیت کاری آموزش عالی باشد. آموزش عالی می‌تواند با ارائه راهکارهای عملی، "تولید سبز" را ارتقا و مصرف بی‌رویه را مورد سؤال قرار دهد.

کمیسیون جهانی سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه، توسعه را بر طرف ساختن نیازهای فعلی افراد بدون در نظر گرفتن توانایی نسل آینده در پاسخگویی به نیازهای شخصی تعریف کرده است. این کمیسیون همچنین استدلال می‌کند که در جهان سوم چاره‌ای جز از بین بردن منابع طبیعی برای بقای حیات وجود ندارد که این امر خود اضمحلال محیط زیست را به دنبال خواهد داشت [۱۲]؛ به عبارت دیگر، کشورهای جهان سوم در سطح ملی، برای بازپرداخت بدهی‌ها، به‌ویژه در مواردی که کشورهای ثروتمند قیمت کالاهای تولید شده آنها را پایین می‌آورند، مجبورند کالاهای اساسی بیشتری تولید کنند.

برای مبارزه با نگرانی‌های مربوط به محیط زیست، نمونه‌های قلیلی از همکاری‌های بین‌المللی وجود داشته است. یکی از این موارد، همکاری پروتکل مونترال است که بر اساس آن مقرر شد تولید کلورفلوراکربن تا سال ۲۰۰۰ به طور کامل متوقف شود. گرچه اقدامات بین‌المللی در حال انجام گرفتن است، اما همچنان در این زمینه خلاء محسوسی وجود دارد.

جنگ و درگیری از مظاهر دیگر چالش در جامعه جهانی در آغاز هزاره سوم میلادی است. علی‌رغم پایان جنگ سرد و ظهور ایده نظم نوین جهانی و پارامترهای جدید برای ایجاد صلح و امنیت جهانی، درگیری‌های منطقه‌ای همچنان از ویژگی‌های اصلی و جاری روابط بین‌الملل است. در این زمینه ارائه یک فرمول و ساختار اصلی برای ایجاد ثبات منطقه‌ای از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. گرچه تلاش‌های زیادی از طرف سازمان ملل برای ایجاد ثبات و صلح در بوسنی و خاورمیانه انجام و در این زمینه قطعنامه‌هایی هم صادر شده است، اما یک چشم‌انداز کلی از دنیای فعلی بیانگر این مطلب است که صدور این قطعنامه‌ها و تلاش‌های بین‌المللی به دلایلی که بیان آنها از قلمرو این مقاله خارج است، نه تنها صلح و ثبات را به‌ویژه به منطقه خاورمیانه به ارمغان نیاورده است، بلکه بی‌ثباتی و درگیری همچنان در این منطقه از

جهان حاکم است.

## ۲. آموزش عالی و چالش‌های جهانی

آموزش عالی می‌تواند زمینه را برای وحدت جهانی فراهم سازد. چالش‌های جهانی که به برخی از آنها در قسمت اول مقاله اشاره شد، ضرورت همکاری‌های بین‌المللی را ایجاب می‌کند و بدون چنین مشارکتی، تصور جهانی بهتر برای نسل آینده مشکل به نظر می‌رسد. برای ایجاد شرایطی بهتر در جهان، سازماندهی همکاری‌های جهانی اجتناب‌ناپذیر است. مانع اصلی در زمینه همگرایی بین‌المللی و منطقه‌ای، وجود دیدگاه‌های متفاوت سیاسی به ویژه دولت - ملت‌هاست<sup>۱</sup>. بهترین و ساده‌ترین راه برای پرهیز از واگرایی، اجتناب از مباحثات و مشاجرات سیاسی است. برای رسیدن به این هدف، راه‌های غیرسیاسی همگرایی باید شناسایی شود و آموزش عالی یکی از بهترین مکانیسم‌ها در این زمینه است [۹]؛ به عبارت دیگر، آموزش عالی به عنوان یک روش غیرسیاسی در همگرایی و وحدت، بستر مناسبی را برای همکاری بین ملت‌ها فراهم می‌سازد. چالش‌های جهانی ضرورت یک همکاری بین‌المللی را کاملاً نمایان می‌سازد تا به عنوان یک ابزار، مشکلاتی که حیات بشری را مورد تهدید قرار می‌دهد، حل و فصل کند. جهان از دهه هشتاد شاهد موج جدیدی از تلاش‌ها برای سازماندهی وحدت و همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی است و در این زمینه انواع مختلفی از سازمان‌ها تأسیس شده‌اند. امروزه نکته اساسی این است که در روند همگرایی، دولت - ملت‌ها باید به این درک و دیدگاه رسیده باشند که همکاری و وحدت برای آنها مزایا و منافعی را به دنبال خواهد داشت که در شرایط واگرایی به آن دست نخواهند یافت. مضاف بر این، سازمان‌های تازه تأسیس شده نباید منافع ملی کشورها را مورد تهدید قرار دهند و یا موفقیت نخبگان سیاسی نباید آنها را تضعیف کند، بلکه این سازمان‌ها باید منابع اقتصادی چندجانبه و روابط کاری بهتری را تدارک ببینند.

آموزش عالی به عنوان یک فرایند غیرسیاسی همکاری و مشارکت دولت - ملت‌ها قادر است تا راه را برای درک متقابل و چندجانبه فراهم سازد. روابط فرهنگی، پروژه‌های تحقیقاتی مشترک، همکاری‌های علمی و غیره بهترین نمونه‌ها برای شکل‌گیری روابط بین‌المللی و منطقه‌ای

۱. Nation - State



از طریق آموزش عالی است. برخی از مثال‌های عملی برای ایجاد چنین روابطی از طریق آموزش عالی به شرح زیر است:

#### ۱.۲. تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی

چنین دانشگاه‌هایی می‌تواند بر اساس مشارکت و توافق چند کشور تا تمام کشورهای جهان تأسیس شود. علاوه بر تحصیل دانشجویان کشورهای مختلف در این دانشگاه‌ها، حل مشکلات جهانی به ویژه مسائل مربوط به کشورهای در حال توسعه باید از اهداف اصلی این دانشگاه‌ها باشد.

#### ۲.۲. تبادل دانشجو

تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی شاید مشکل و حتی پرهزینه باشد، لذا تبادل دانشجو بین کشورهای مختلف می‌تواند راه مناسبی برای توسعه روابط علمی و فرهنگی در زمینه‌های آموزش عالی بین کشورها باشد. تبادل دانشجو می‌تواند بر اساس توافق یا قرارداد بین کشورهای مختلف انجام گیرد و گامی اساسی برای توسعه روابط و حل مشکلات متقابل باشد.

#### ۳.۲. تبادل نیروهای علمی و متخصص

روابط علمی و فرهنگی صرفاً نمی‌تواند به تأسیس دانشگاه‌های بین‌المللی و تبادل دانشجو محدود شود، بلکه تمام فرصت‌ها و راهکارها باید مورد آزمایش و بررسی قرار گیرد. یکی از این راهکارها، تدریس نیروهای متخصص در دانشگاه‌های مختلف جهان است. بدین ترتیب، این افراد با علم و آگاهی از مشکلات داخلی و ملی خود، آنها را در دانشگاه‌های کشورهای دیگر مطرح می‌سازند. ادامه این روند سرانجام به راه‌حل‌های مناسبی خواهد رسید.

#### ۴.۲. سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی

یکی دیگر از ابزارها و فرصت‌هایی که می‌تواند در اختیار آموزش عالی باشد، سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی است. هدف اصلی از برگزاری این نوع گردهمایی‌ها باید بحث و گفتگو در باره چالش‌هایی باشد که در بخش اول مقاله بدان اشاره شد، مانند مسائل مربوط به

محیط‌زیست، مشکلات و تنگناهای موجود در توسعه کشورها، درگیری‌ها و تنازعات منطقه‌ای و قومی، بحران رشد جمعیت، مسئله بحران اخلاقی و غیره. چنین فرصتی زمینه را برای رسیدن به تناهم و همکاری متقابل و ایجاد دیدگاه‌های مشترک در حل مشکلات جهانی فراهم می‌سازد.

### ۵.۲. تأسیس و توسعه اتحادیه‌های منطقه‌ای دانشگاهی

همجواری، منافع و استراتژی مشترک دلایل مناسبی برای همکاری کشورهای است که در قلمرو یک منطقه مشخص هستند. این کشورها از قابلیت‌ها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و مشکلات خود کاملاً آگاه‌اند. چنین دیدگاه مشترکی ممکن است آغاز خوبی برای تأسیس اتحادیه‌های منطقه‌ای در سطح دانشگاهی باشد. از طریق اتحادیه‌های مزبور، کشورهای عضو قادر خواهند بود تا مشکلات و مسائل منطقه‌ای خود را در اولویت قرار دهند تا بدین ترتیب به اصل ایجاد اعتماد متقابل به عنوان پایه و اساس همکاری نایل آیند. مضاف بر این، اتحادیه‌های منطقه‌ای مزبور زمینه را برای همکاری بین‌المللی فراهم می‌کند.

### ۳. نتیجه‌گیری

در آغاز قرن بیست و یک، جهان از انواع مختلف بحران‌ها رنج می‌برد و جامعه بین‌الملل با چالش‌های جدی مواجه است. یکی از مهم‌ترین این بحران‌ها فروپاشی اخلاق در بین جوامع بشری است و بنابراین، مردم ساکن در یک نقطه از جهان به آنچه در نقاط دیگر جهان اتفاق می‌افتد، اعتنایی ندارند. در یک مورد شفاف، امروزه ما شاهد شکاف بزرگ بین شمال و جنوب به عنوان دو بخش از یک جهان هستیم. شمال از تغذیه و بهداشت مناسب برخوردار است و حال آنکه جنوب از گرسنگی و بیماری رنج می‌برد. اما در دنیایی که اصل درون وابستگی<sup>۱</sup> بر آن حاکم است، تأثیرات و پیامدهای خود را در سطح فراگیر خواهد داشت.

در این مقاله تأکید شد که چالش‌های بین‌المللی همکاری بین‌المللی را می‌طلبند و بدون چنین تلاش دسته‌جمعی، به سختی می‌توانیم راه‌حلی را برای مشکلات جهان ارائه دهیم. مهم‌ترین

چالش‌های جهانی عبارت‌اند از:

- فروپاشی اخلاق؛
- گرسنگی و بیماری؛
- وابستگی اقتصادی و سیاسی؛
- درگیری‌های قومی؛
- تقابل بین شمال و جنوب؛
- مسائل زیست‌محیطی.

این مشکلات و بحران‌ها به مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌شوند و از مرزهای ملی تجاوز می‌کنند و لذا نیاز به همکاری و ملاحظه‌های بین‌المللی دارند. در این زمینه، جامعه بین‌المللی باید از هر نوع تجزیه و واگرایی اجتناب کند و همگرایی را به رسمیت بشناسد. ما پیشنهاد می‌کنیم و بر این باوریم که آموزش عالی به عنوان یک روند غیرسیاسی و مؤثر با ایجاد روابط چندجانبه قادر است زمینه را برای همگرایی منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم سازد.

در این زمینه، آموزش عالی باید چالش‌های اصلی و مسائلی را که در این مقاله بدان اشاره شد، هدف و برنامه اصلی خود قرار دهد. آموزش عالی باید چالش‌های اصلی را شناسایی، اولویت‌بندی و برنامه‌های تحقیقاتی برای آنها ارائه کند. هیچ‌کس نمی‌تواند جدی بودن و واقعیت بحران‌ها را در کشورهای در حال توسعه منکر شود؛ به عبارت دیگر، آموزش عالی یک وظیفه جهانی را عهده‌دار است، وظیفه‌ای که محدود به یک کشور یا یک منطقه نمی‌شود. همه‌آنهايي که در عرصه آموزش عالی موضوع‌های تحقیقاتی را طراحی و فعالیت‌های علمی را سازماندهی می‌کنند، چالش‌ها و بحران‌های جهانی را باید مورد ملاحظه و توجه قرار دهند. همه مشکلات و چالش‌های جهان نیاز به تحقیق و بررسی توسط متخصصان و صاحب‌نظران دارد. بر اساس یافته‌های علمی، آنها باید برای حل تنگناها و مشکلات بهترین راه‌حل‌ها را ارائه دهند. اگر ما در صدد تأسیس دانشگاه بین‌المللی هستیم، باید جهانی فکر کنیم. باید فعالیت‌های چنین دانشگاهی را به سمت حل معضلات جهانی هدایت کنیم.

مهم‌ترین وظایف و نقش آموزش عالی برای حل مشکلات جهانی به طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. فراهم ساختن زمینه برای همکاری‌های اقتصادی و سیاسی؛

۲. کمک به رشد نیروی انسانی متخصص؛

۳. ارائه دیدگاه‌های ویژه در خصوص مسائل اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در کشورهای مختلف به ویژه در کشورهای در حال توسعه؛
  ۴. تقویت و حمایت از روابط بین‌المللی؛
  ۵. حمایت از همکاری‌های کشورهای جنوب و تقویت دیدگاه‌های چندجانبه بین شمال و جنوب؛
  ۶. سازماندهی عوامل غیرسیاسی در روند همگرایی.
- در پایان، این مقاله تأکید بر آن دارد که همکاری‌های فرهنگی - علمی بین کشورهای مختلف از طریق آموزش عالی بهترین مکانیسم توسعه همگرایی است. باید از هر نوع شعار و ایستارهای غیرواقع‌بینانه در این زمینه اجتناب شود و بر اساس یک دیدگاه واقع‌بینانه در جهت تأسیس یک دانشگاه بین‌المللی قدم برداریم.

## مراجع

1. R.H. Grean, "Reduction of Absolute Poverty: A Priority Structural Adjustment", Institute of Development Studies, Discussion Paper, 1991, p. 287.
2. UNDP, Human Development Report, 1990, pp. 132-133.
3. UNDP, Human Development Report, 1995, p. 35.
4. Ibid, p. 25
5. P. Hawthorne, "Africa Moves Forward", Time, June 22, 1998, pp. 44-45.
6. World Health Organization (WHO) Annual Report, Quoted in the School of Health Personnel Education's Newsletter. UNSW, Australia, 1999, p.14.
7. World Health Organization Data Quoted in WDR, 1993, pp. 32-33.
8. WHO Annual Report, op.cit. p. 16.
9. Ibid
10. New Internationalist, June 1996, p. 43.
11. Ibid, p. 26

12. UNDP.OP.CIT, pp. 112-116.

۱۳. برای مطالعه بیشتر مراجعه کنید به:

Bacharach, S.B. (Ed.), Education Reform:

Making Sense of it All, (Boston: 1990), pp. 132-137

(تاریخ دریافت مقاله: ۸۰/۶/۳۰)